: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.50694.0
مقالهٔ پژوهشی- مطالعه موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شمارهٔ پیاپی ۳۶

عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان

زهرا شریفی نیا (گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران، نویسندهٔ مسئول)

sharifinia@iausari.ac.ir

سمیه حق نظری (کارشناس ارشد توسعهٔ روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

somayeh.hagh.n@gmail.com

صص ۵۱ ـ ۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی است که کدام عوامل در تقویت فضاهای عمومی بیش‌ترین نقش را داشته است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده، توصیفی- تحلیلی است و برای گردآوری داده از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی (تحلیل عاملی و تحلیل واریانس) بهره گرفته شده است. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که هفت عامل با مجموع ۵۵/۲۷۴ درصد واریانس روابط بین شاخص‌ها را تبیین می‌کند و بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد واریانس و کمترین سهم را عامل هفتم با ۶/۱۷۸ درصد تبیین می‌کند. همچنین، تحلیل آزمون واریانس نشان داد که تفاوت معناداری بین عامل‌های مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی- بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی به ترتیب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

بیشترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، توجه به فضاهای عمومی می‌تواند در راستای تقویت اجتماعات انسانی به کار گرفته شود و زمینه را برای بهبود فعالیت‌ها، سرزندگی و حیات مدنی در جوامع روستایی فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: فضاهای عمومی، عوامل مؤثر، روستاهای استان لرستان.

۱. مقدمه

روستاها از یک‌سو، به واسطهٔ کارکرد اساسی خود، تأمین‌کنندهٔ بسیاری از نیازهای فردی و جمعی جامعهٔ روستایی هستند و از سوی دیگر، از خصیصهٔ پویایی و تغییرات دائمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- فضایی برخوردارند. چنین فعالیت‌هایی نیازمند فضاهایی است که افراد را به تفکر واداشته و گرد هم جمع کند تا بتوانند از طریق «گفتگو و روابط چهره به چهره» به همبستگی اجتماعی دست یابند (علی‌الحسابی و نگارش، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). و سازمان فضایی مناسب را جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی تحقق ببخشند (رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۷). همچنین، زندگی عمومی مردم در فضاهای عمومی در مجموعه‌ای پیچیده از اشکال و کارکردها رخ می‌دهد. بر این اساس، این فضاها باید حاوی رفتارها، کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوعی مانند خرید، پیاده‌روی، مکالمه، استفاده از امکانات برای سرگرمی، استراحت یا حتی گذراندن وقت به‌عنوان فعالیت‌های روزمره و همچنین جشن‌ها و رویدادهای دوره‌ای باشند (جلال‌الدینی و اوکتای[1]، ۲۰۱۲، ص. ٦٦٥). بنابراین امروزه فضای روستایی، به‌عنوان فضایی با ویژگی تنوع فرهنگی و سنتی و تعامل با محیط طبیعی و انسانی چه در گذشته و چه در حال حاضر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است (یونگ و ریو[2]،۲۰۱۵، ص.۱۱۲۱۳). این تعامل با ترکیب عوامل طبیعی و فرهنگی از جمله مهارت‌ها، دانش و فن‌آوری ادغام شده است و تنوعی گسترده‌ای از خدمات اکوسیستم و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورده است (سونگ[3]، ۲۰۰۵، ص. ۳٤٦؛ هارتل، فیچر، کامپنو، مایلکو، هانس پاچ و فازی [4]، ۲۰۱٤، ص. ۱۲۳۹). این مجموعه

1. Jalaladdini & Oktay
2. Jung and Ryu
3. Seong
4. Hartel, Fischer, Câmpeanu, Milcu, Hanspach &Fazey

تعاملات بلندمدت فرهنگی و اجتماعی زمینهٔ یک چشم‌انداز قوی در هویت یک مکان را به دنبال داشته است (یونگ و ریو، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۳۹). با این حال، در طول چند دههٔ گذشته، نگرانی در مورد ناپدید شدن مناظر سنتی و ظهور مناظر جدید، تبدیل به یک مسئلهٔ جدی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است و سبب تغییرات گسترده و چشمگیر مناظر فرهنگی سنتی از جمله گونه‌ها، زیستگاه‌ها و تغییرات هویت چشم‌انداز شده است (اسکدلی وبرگر[1]،۲۰۰۹، ص. ٤٧٩؛ موس و ویجرمان[2]، ۱۹۹۰، ص. ۲۸۹). تغییرات در مناظر روستایی به طور مستقیم با معیشت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی مردم محلی و در نهایت حفظ طبیعت، مرتبط هستند. بیشتر سکونتگاه‌های روستایی با توجه به خصوصیت‌ها و کلیهٔ عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (احمدی، ۱۳۹۱، ص. ٦). پس مشاهدهٔ تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن تحولاتی به وجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است، فضاهای زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تدوام این حیات نیز خواهد بود؛ لذا برای تحقق این تدوام نیازمند به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد (ساردوئی،۱۳۹۳، ص. ۱۱۸).

منطقهٔ مورد مطالعهٔ این پژوهش، روستاهای استان لرستان است که دارای فضاهای تفریحی مانند (طبیعت بکر و کوهستانی، آب و هوای مناسب)، فضاهای ارتباطی(تحکیم روابط همسایگی بین افراد، روابط صمیمی بین خانواده)، فضاهای فرهنگی و اجتماعی (مانند آداب و سنن قدیمی، گردهمایی ملی، مذهبی و سخنرانی)، فضاهای مشارکتی(همدلی و مشارکت در مراسم عروسی و عزاداری‌ها) فضاهای خدماتی(بهداشتی و ورزشی) و غیره است و باعث شده است که زمینهٔ بررسی این پژوهش را فراهم کند. بنابراین، هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به

1. Stockdale and Barker
2. Meeus and Wijermans

دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی می‌باشد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی روستایی کدامند.

۲. پیشینهٔ تحقیق

در خصوص فضای عمومی در مناطق روستایی تحقیقات خیلی کمی صورت گرفته است، و بیشتر آن‌ها بر نقش فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند، اما در این پژوهش، محقق به بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی پرداخته است و از این حیث کار جدید و نویی می‌باشد.

در همین رابطه، جوهان گل[1] (۲۰۰۳)، در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته و بهترین فرصت برای تعامل در یک فعالیت می‌داند. مطالعهٔ دیگر در این زمینه مربوط به تحقیق ون راجا[2] (۱۹۸۳) است که با هدف شناخت عوامل مؤثر در جلب مردم به فضاهای عمومی صورت گرفته و نتایج آن به شرح ۱- نحوهٔ ارزیابی عموم از مکان، ۲- ویژگی‌های کالبدی، ۳- مفید و مؤثر بودن، ٤- نحوهٔ دسترسی و ۵- ویژگی‌های اجتماعی نشان داده شده است (حاتمی و ذاکر حقیقی،۱۳۹۷، ص. ۸۲). جلال‌الدینی و اوکتای (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی زمینهٔ نشاط و شادی را برای مردم فراهم کرده است. محققانی چون اسماعیل و سعید[3]،۲۰۱۵، بولیور داپونته، رودریگز و سانچز[4]،۲۰۱؛ فرانسیس، جلیز کورتی، ود، کنویمان[5]،۲۰۱۲؛ نوستژن، ساله و وحید[6]؛۲۰۱٤؛ یون و سرینیواسان[7]،۲۰۱۵، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فضاهای روستایی، به‌عنوان عرصه‌های اقتصادی، محیطی و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. در این فضاها، مردم محلی می‌توانند خارج از دیگر عرصه‌های خصوصی با دیگران سهیم شده و در آن فعالیت کنند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی

1. Johan Gehl
2. Ven Raja
3. Ismail & Said
4. Bolívar, Daponte, Rodríguez & SánchezJ
5. Francis, Giles-Corti, Wood & Knuiman
6. Nasution, Shalleh & Wahid
7. Yoon & Srinivasan

و اجتماعی که دارند، می‌توانند به ساخت و تولید مناسبات اجتماعی کمک کرده و باعث افزایش کیفیت سرزندگی در مناطق روستایی شوند که تا حدودی با پژوهش حاضر هم‌سویی خاصی دارد. از این رو، بحث عملکرد فضاهای عمومی در جهت ارتقاء توسعهٔ سرزندگی مردمی محلی در برنامه‌های توسعهٔ روستایی اهمیت بسیاری دارد که باید مسئولان و مردم به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. آنچه که بیش از همه در حضور و تعامل افراد در فضاهای عمومی نقش دارد، ایجاد و تقویت کارکرد این فضاهاست که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های مشارکت، توانمندسازی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و غیره بینجامد و زمینه را برای افزایش کیفیت سرزندگی مردم محلی فراهم کرد. بنابراین، گام اساسی در زمینهٔ تدوین برنامه های کارآمد و منطبق بر واقعیت‌ها و دستیابی به هدف بهبود کیفیت سرزندگی، شناخت و آگاهی لازم و کافی از توان‌ها و امکانات هر منطقهٔ جغرافیایی است. عنابستاتی و احمد زاده(۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط معنی‌داری بین جمعیت، فاصلهٔ روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی با ضریب ۰/٤٦٦ و ۰/٦٦٩٧ وجود دارد، اما براساس آزمون آماری کراسکال والیس رابطهٔ معنی‌داری بین نوع راه ارتباطی و موقعیت روستا با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در منطقهٔ مورد مطالعه وجود ندارد. احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در این نواحی، علاوه بر عوامل درونی شامل تغییر موقعیت کارکردی، تغییر در الگوهای بهره‌برداری از فضا، عوامل زیست محیطی، گرایش‌های مذهبی، میزان انسجام، رفاه‌طلبی و تجملات، تغییر سبک زندگی، تغییر منابع تولید، اشتغال، تغییر ارزش زمین و مسکن، عوامل بیرونی در دو قالب مجاورت شهری و ابعاد ملی و فراملی شامل مولفه‌های توسعهٔ گردشگری و خانه‌های دوم، مهاجرت از شهر به روستا و بالعکس، توسعه و خزش شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات تلفن، و سیاست‌های و برنامه‌های کلان ملی، تکنولوژی و مکانیزه‌شدن تأثیرگذار می‌باشد. عزیزپور و شمسی(۱۳۹۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل طبیعی به‌ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب در موقعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی تأثیر داشته است. این وضعیت سبب گردیده تا سازمان فضایی محدودهٔ مورد مطالعه از ساختار سلسله‌مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. ضمنا مبتنی بر این نتایج پیشنهاد گردید تا سازمان فضایی محدوده از سه

حوزهٔ روستایی به مرکزیت روستاهای افجه، کندعلیا و بوجان و یک مجموعه روستایی با مرکزیت شهر لواسان تشکیل گردد. عینالی و همکاران (۱۳۹٦)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معیارهای زیباشناختی، معنایی- ادراکی و عملکردی - فعالیتی هر کدام به ترتیب با میزان ۲/۵۲، ۱/۷۹ و ۰/٦۹ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول، یعنی تصویر ادراکی بیشترین سهم و عامل ششم، یعنی تعاملات اجتماعی کمترین سهم در تبیین کل متغیرها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بررسی مدل برازش رگرسیونی نشان‌دهندهٔ تأثیر مثبت فاکتورهای مؤثر فضاهای عمومی در ارتقای افزایش کیفیت سرزندگی روستائیان به میزان ۰/۷۲۳ می‌باشد که این خود نشان از رابطهٔ معنادار و مثبت بودن نقش عوامل فضاهای عمومی در ارتقاء کیفیت سرزندگی روستابیان در بین روستاهای محدودهٔ مورد مطالعه می‌باشد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب با مقدار ۷/۲٦، ٤/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها رو به خود اختصاص داده‌اند. آزمون رگرسیون نشان داد که بیشترین میزان همبستگی بین شاخص‌های سرزندگی زیست‌محیطی و سرزندگی اجتماعی با میزان ۰/۳۸۲ و ۰/۲۷۵ می‌باشد و این شاخص‌ها نیز تأثیر مثبتی بر روی بقیهٔ شاخص‌های تحقیق داشته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳. ۱. روش تحقیق

این پژوهش در راستای بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی می‌باشد؛ لذا نوع تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی است. در انجام تحقیق، ابتدا اطلاعات موجود در مورد موضوع و منطقه از کتب، اسناد، مجلات، نقشهٔ پایه، آمارنامه‌ها جمع‌آوری شد و سپس داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده، پرسش‌نامه، مشخصات فردی و ویژگی‌های مردم محلی مد نظر قرار گرفت. بنابراین، به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی از سه معیار زیباشناختی، معنایی – ادراکی و عملکردی- فعالیتی، به شرح شکل (۱) و جدول (٤) استفاده

شد و سپس پرسش‌نامه‌ها مطابق با طیف لیکرت (۱= خیلی کم، ۵ = خیلی زیاد) طراحی و ارزیابی شدند.

جهت سنجش روایی، پرسش‌نامه ابتدا در اختیار متخصصان قرار گرفت و روایی ابزار تحقیق سنجیده شد و شاخص‌ها و گویه‌های نهایی استخراج گردید. پرسش‌نامهٔ تدوین‌شده در این مرحله در منطقهٔ مورد مطالعه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و پس از تأیید اعتماد یا پایایی طبق جدول (۱)، پرسش‌نامه جهت انجام مراحل میدانی تحقیق تدوین نهایی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی(تحلیل واریانس و تحلیل عاملی) بهره گرفته شد.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ مشاهده شده

ماخذ: نگارنده با استفاده از دسترسی به اطلاعات، ۱۳۹۸

عنوان	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
زیباشناختی	۸	۰/۵٦۸
معنایی – ادراکی	۷	۰/۵۵۷
عملکردی- ادراکی	۱۲	۰/٦۸۰

جامعهٔ آماری این تحقیق، ۳۹ روستا در استان لرستان است که از طریق فرمول کوکران با خطای ۰/۰۷ درصد، ۱۹۵ پرسش‌نامه بدست آمد و بین مردم محلی به صورت تصادفی توزیع شد. از دلایل انتخاب این روستاها می‌توان به همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان لرستان اشاره کرد که داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌هایی که مردم روستا در هنگام بازدید مشاوران تکمیل کرده بودند را در اختیار این تحقیق قرار داد.

جدول ۲- جمعیت روستاها و تعداد پرسش‌نامه

مأخذ: مرکز آمار، ۱۳۹۵

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
الیگودرز	مرکزی	پاچه لک شرقی	ده نصیر	۸۳۵	٤,٤۸
		خمه	خمه بالا	٦٤٦	۳,٤۷

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
	بربرود غربی	بربرودغربی	شاهپوراباد	۱۵۲۲	۸٫۱۷
	بشارت	یشکوه ذلقی	خاک بیته	۴۰۴	۲٫۱۷
بروجرد	اشترینان	برده سره	دهریز	۱۴۷۹	۷٫۹۴
		گودرزی	برکت اباد	۱۰۲۱	۵٫۴۸
	مرکزی	شیروان	الک اباد	۵۶۶	۳٫۰۴
		والانجرد	بیچون پایین	۷۶۶	۴٫۱۱
خرم آباد	بیرانوند	بیرانوندجنوبی	سراب الیاس	۵۰۷	۲٫۷۲
	بیرانوند	بیرانوندشمالی	داربلوط پایین	۶۵۱	۳٫۴۹
	زاغه	زاغه	باده	۵۴۸	۲٫۹۴
		قایدرحمت	کله جوب	۸۴۹	۴٫۵۶
	مرکزی	ازنا	سرداراباد	۸۳۲	۴٫۴۷
		رباط	قلعه سنگی	۱۳۵۳	۷٫۲۶
دلفان	کاکاوند	'کاکاوند شرقی	هزارخانی	۷۳۸	۳٫۹۶
	مرکزئ	میریگ جنوبی	میرزا آباد	۸۵۱	۴٫۵۷
		میریگ شمالی	شهن آباد	۱۴۵۰	۷٫۷۸
دورود	سیلاخور	چالانچولان	زرگران بالا	۷۷۶	۴٫۱۷
		سیلاخور	کاغه	۹۵۳	۵٫۱۲
	مرکزی	حشمت آباد	ترشاب	۱۱۶۱	۶٫۲۳
کوهدشت	طرهان	طرهان شرقی	دم روستان	۱۱۱۳	۵٫۹۷
	کوهنانی	کوهنانی	شورابه بهرام بیگ	۸۴۰	۴٫۵۱
	مرکزی	گل کل	اشتره گل گل	۱۰۴۷	۵٫۶۲
		گل گل	اکبراباد	۱۶۴۱	۸٫۸۱
ازنا	جاپلق	جاپلق شرقی	مرزیان	۹۸۶	۵٫۲۹
	مرکزی	سیلابخور شرقی	کلکله	۱۱۱۱	۵٫۹۶
پلدختر	مرکزی	ملاوی	وره زرد	۹۴۵	۵٫۰۷
	معمولان	افرینه	سرنجه زیودار	۵۶۵	۳٫۰۳
سلسله	فیروزآباد	فیروزآباد	تملیه	۱۱۱۴	۵٫۹۸
		فیروزآباد	شیخ آباد زنگیوند	۱۰۵۸	۵٫۶۸
	مرکزی	یوسف وند	در تنگ پایین	۸۴۶	۴٫۵۴
دوره	چگنی	دوره	سراب ناوه کش	۹۸۳	۵٫۲۸

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
		دوره	سراب چگه	۸۰۱	٤,۳۰
	شاهیوند	شاهیوند	ملک آباد سماق	۷۰۳	۳,۷۷
	ویسیان	ویسیان	سبزوار	۷۰۳	۳,۷۷
رومشگان	سوری	سوری	اسداباد	۷۸۱	٤,۱۹
		رومیانی	پادروندپایین	۸۱۱	٤,۳٥
	مرکزی	رومشگان	لالوند	۸۹۸	٤,۸۲
		بازوند	بازوندی	١٤٧٤	۷,۹۱
جمع کل	۲۸	۳۹	۳۹	٣٦٣٢٨	۱۹٥

۳. ۲. منطقهٔ مورد مطالعه

استان لرستان یکی از استان‌های غربی ایران است. این استان ۲۸۳۰۸ کیلومتر مربع مساحت دارد. خرم‌آباد مرکز استان و بروجرد دومین شهر بزرگ آن است. لرستان سرزمینی کوهستانی است و غیر از چند دشت محدود، سراسر آن را کوه‌های زاگرس پوشانده است. اشترانکوه با ٤۰٥۰ متر ارتفاع بلندترین نقطهٔ استان است و پست‌ترین نقطهٔ آن در جنوبی‌ترین ناحیهٔ استان واقع شده و حدود ٥۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه یکی از نخستین سکونتگاه‌های قدیمی بشر است و مفرغ لرستان از شهرت باستان شناسی زیادی برخوردار است. این استان از ۱۱شهرستان، ۳۱ بخش، ۲٥ شهر و۸۷ دهستان تشکیل شده است. بنابر سرشماری سال ۱۳۹٥، جمعیت استان ۱۷٦۰٦٤۹ نفر بوده است. جمعیت روستایی در این استان برابر با ٦۲۳۸۹٦ نفر و نرخ رشد جمعیت روستایی برابر(۱/٦۳-) است.

٤. مبانی نظری

توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفاظت محیط و توسعهٔ پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. براین اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی

و کیفی در پیش‌بینی و اولویت سنجی اراضی مورد نیاز و نحوهٔ توزیع و ترکیب آن‌ها میان کاربری مختلف است (ایزدی، محمدی، طاهری، و شرخانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۸). بنابراین، توجه به بحث‌های فضاهای عمومی و اهمیت آن از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است. در این رابطه برخی از محققان حوزهٔ شهرشناسی چون ویلیام[1] اعتقاد دارند که خیابان‌های خوب، پیاده‌روها، پارک‌ها و دیگر فضاهای عمومی در آگاهی و رشد مدنیت در جوامع نقش بسزایی ایفا می‌کنند (کارمونا[2]، ۲۰۰۳، ص.۲۳). لذا بسیاری از مفسران در خصوص اینکه چگونه فضا بر مردم، احساسات و رفتار ایشان اثر می‌گذرد، بحث کرده‌اند. این مباحث برآمده از مفهوم فضا، در یک تقسیم‌بندی کلی، در سه بخش قابل دسته‌بندی است: ۱- خصوصیات فیزیکی فضا، ۲- فعالیت‌هایی که در فضا رخ می‌دهد، ۳- معنای فضا. بنابراین کارمونا (۲۰۰۳) این سه بخش را با عناوین ابعاد «ریخت‌شناختی[3]»، «اجتماعی و عملکردی[4]» و «ادراکی[5]» معرفی می‌کند. رالف (١٣٧٤) این سه بخش را «بستر فیزیکی[6]»، «فعالیت» و «معنا» می‌داند که در ساخت «هویت مکان» مؤثرند. طبق ادعای رالف، ارتباط بین مردم و مکان از طریق وجود مفهومی با عنوان «حس مکان[7]» رخ می‌دهد. راپاپورت[8] (۱۹۹۹)، اجزاء شکل‌گیری محیط را شامل سه بخش«ساخت فضا[9]»، «ساخت تعاملات[10]» و «ساخت معنا[11]» می‌داند (ماجدی، رضایی و منصوری،۱۳۹۳، ص. ٤٥). لیپتون[12]، فضاهای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه» تعریف می‌کند. فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبابی است (سیرون و مازا[13]،۲۰۰۹، ص.

1. William
2. Carmona
3. Morphological Dimension
4. Social and Functional Dimension
5. Perceptual Dimension
6. Physical Settings
7. Sense of Place
8. Rapoport
9. Organization of Space
10. Organization of Communication
11. Organization of Meaning
12. lipton
13. Citron & Mazza

۳). مامفورد[1] به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحریک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاها تأکید دارد و ارتباطات یک‌جانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۵). بر این اساس، با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است؛ زیرا در آن صورت ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتا انسان هرچه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاها کمرنگ می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص. ۷۸). یوهان گل[2](۲۰۰۳)، نشان داد که چگونه کیفیت محیطی فضاهای عمومی بر میزان و نحوۀ استفادۀ مردم از آن‌ها اثرگذار است. طبق نظرات گل، فعالیت در فضاهای عمومی ذیل سه بخش قابل شناسایی است: فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی. زمانی که فضا از کیفیات پایینی برخوردار باشد، تنها فعالیت‌های ضروری است که در آن‌ها رخ می-دهند. با ارتقای کیفیت فضا، ضمن رخداد فعالیت‌های ضروری، طیف گسترده‌ای از فعالیت-های اختیاری و اجتماعی نیز امکان وقوع می‌یابند و مردم به انجام آن‌ها تمایل پیدا می‌کنند (جوهان گل، ۲۰۰۳، ص. ٦٥٨).

بنابراین فضای عمومی یا جمعی به جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب با فضای اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسبیت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن مؤثر است و حاصل میراث تاریخی و فرهنگی یک جامعه است (یزدانی و لواسانی، ۱۳۸۹، ص. ٤٢). با توجه به اطلاعات جدول (۱) می‌توان به تعریف فضاهای عمومی و سنجش کارکردها و ویژگی‌های کلیدی این فضاها اشاره کرد.

1. Mumford
2. Johan Gehl

جدول ۳ - روش‌های مهم در تعاریف و سنجش فضاهای عمومی

مأخذ: رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸

محقق	تعاریف	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	شاخص‌های کلیدی	کارکردها اصلی
کار و همکاران[1] (۱۹۹۲)	فضای عموی همچون«زمین مشترک» در نظر گرفته می‌شود که مردم فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع را به هم پیوند می‌دهد، خواه در روال عادی زندگی روزانه، یا در فستیوال‌های دوره‌ای باشد.	پیوندی برای فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع به‌عنوان یک فضای مشترک و عمومی	پاسخ‌گو، دموکراتیک و معنادار	آسایش(ارتباط و تعامل)
زوکین[2] (۱۹۹۵)	فضاهای عمومی، فضاهای هستند که پیوسته مرزها و نشانه‌های جامعهٔ انسانی را هدف گفت و گو قرار می‌دهند. فضایی عمومی ابزاری برای تنظیم چشم‌انداز زندگی اجتماعی مردم است.	- کلیدی برای بحث و گفت و گو جامعهٔ انسانی - کلیدی برای تحمل تفاوت ها و فرصت‌هایی برای ورود به زندگی اجتماعی کامل - کلیدی برای فضای مبادله‌ای - کلیدی برای بهبود چشم انداز زندگی اجتماعی	مشارکت مدنی، هویت شناسی، تبادل ارتباط و اطلاعات	
استهلی و میشل[3] (۲۰۰۸)	فضاهای عمومی تجلی تلاش‌های بشری است که مصنوعات جهان اجتماعی در محدودهٔ این محیط طراحی شده، انطباق یافته، گفت و گو و تفسیر می‌شود. فضاهای عمومی، عرصه‌های مهمی برای گفتمان عمومی و بیان ناخشنودی‌ها به حساب می‌آیند	- کلیدی برای گفت و گوی عمومی و تفسیر آن‌ها - کلیدی برای صلح و انسان دوستی	تعاون و همکاری، ایجاد شبکه های اجتماعی و نهادی	
گل (۲۰۰۳)	فضایی است که شامل فعالیت‌ها، حوادث، الهام و تحریک‌ها است و کیفیت فضاهای عموی را باالاتر می برد. فضایی است که علی رغم تفاوت‌ها، به عنوان مکان جلسات، بازار و فضای ترافیک عمل کرده است.	- کلیدی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها - کلیدی برای هم‌اندیشی و باز کردن تقاوت‌ها	مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	محافظت

1. Car et all
2. Zukin
3. Stachley & Michelle

محقق	تعاریف	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	شاخص‌های کلیدی	کارکردها اصلی
اورم و نیل[1] (۲۰۱۰)	فضای عمومی شامل همهٔ مناطقی می‌شود که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوما در عمل) باز و در دسترس است. مکان عمومی به‌عنوان مکان (یا فضایی) تعریف می‌شود که مقامات دولتی آن را ایجاد کرده‌اند و از آن نگهداری می‌کنند و برای استفادهٔ همهٔ مردم در دسترس است	- کلیدی برای دسترسی به فضای همگانی - نگرش دولتی برای دسترسی همگانی - کلیدی برای دسترسی به فرصتی محیطی	عدالت اجتماعی، دموکراتیک و معنادار	
کارمونا[2] (۲۰۰۸)	فضای عمومی (تعریف وسیع و گسترده) مرتبط با همهٔ بخش‌های محیط ساخته شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است، جایی که عموم آزادند، مانند همهٔ خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، دارای استفادهٔ غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی است. فضای عمومی (تعریف محدود شده)، مرتبط با آن بخش از محیط طبیعی و ساخته‌شده است که دسترسی عموم به آن آزاد است. چنین فضایی شامل همهٔ خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق گذر، خـواه دارای استفادهٔ غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی/ مدنی باشد و نیز فضاهای باز و پارک ها و فضاهای عمومی / خصوصی که دسترسی عموم به آن‌ها بدون محدودیت است	- کلیدی برای عدالت اجتماعی در شهر و روستا - کلیدی برای مراعات حقوق دیگران - کلیدی برای مشارکت مدنی اعضا - کلیدی برای دسترسی همکانی	عدالت اجتماعی، مشارکت مدنی، تعاون و همکاری، قدرت بخشیدن مردم	لذت

عملکرد اصلی فضاهای عمومی، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم می‌باشد؛ لذا ابعـاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص، موضوعاتی چـون بسترسازی شرایط مطلوب فرهنگی- اجتماعی، سرزندگی و حیات اجتمـاعی کـه ابعـاد کیفـی

1. Orem and Nile
2. Carmona

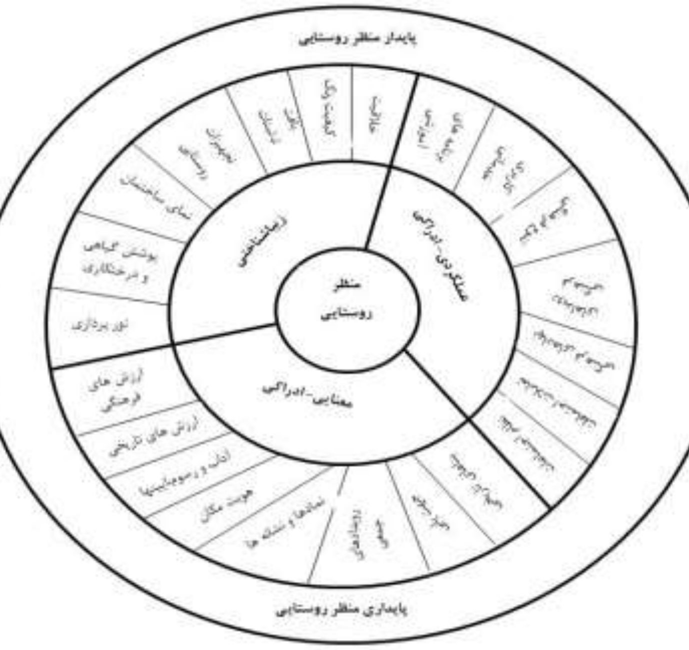
روابط جمعی را رقم می‌زند، از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان و طراحان است (رفیعیان و خدائی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۸).

با توجه نکات اشاره‌شده در بالا می‌توان اظهار کرد که آسایش بصری و محیطی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های روستایی امن محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، کاربرد مناسب رنگ در طراحی مبلمان روستایی، یکی از راهکارهای مطلوب در مناسب‌سازی سیما و منظر روستا با حفظ هویت کالبدی روستا است و تأثیر بسزایی در ادارک محیط دارد. به طوری که بین افراد ١٦ تا ۳۵ سال، رنگ‌ها در بهترین و دقیق‌ترین وضع خود درک می‌شوند. خردسالان و سالخوردگان مهارت کمتری در تفکیک و تشخیص رنگ‌ها دارند و برای سنین بالای ۵۵ سال، سرعت تفکیک رنگ‌ها رو به وخامت می‌گذارد. از طرفی، بیشتر سکونتگاه‌ها و جامعهٔ انسانی آن‌ها از جمله سکونتگاه‌های روستایی، با توجه به خصوصیت‌ها و کلیهٔ عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (تقوی، ۱۳۹۸، ص.۲۰). در مجموع، کلیهٔ عوامل و ساختارهای طبیعی و انسان در شکل‌گیری منظر روستایی دخالت دارند. سکونتگاه‌ها و مکان‌های عمومی، میادین و شبکهٔ معابر به‌عنوان شریان ارتباطی، مناظر طبیعی، مزارع، باغ‌ها و مراتع در کنار هم به‌عنوان یک مجموعهٔ واحد، مناظر روستایی را شکل داده‌اند. تمامی این عناصر، مانند اجزاء یک سیستم سبب پویایی چرخهٔ زیستی و تداوم حیات در روستا می‌شوند. بنابراین، روستا تنها چند واحد مسکونی و تعدادی فضاهای خرد و کلان جمعی در کنار وسعتی از کشتزارها و باغات نیست، بلکه نوع تعامل و رفتارهای انسان‌ها در یک محیط با یکدیگر و محیط طبیعی اطرافشان است که دریافت مفهوم و واقعیت یک آبادی به نام روستا را رقم می‌زند(عینالی، بوزجمهری، نظری شیخی، دهبانژاد، و رومیانی، ١٣٩٦، ص.٦٢٤).

روستاها می توانند به‌عنوان چشم‌اندازهای مشارکتی در نظر گرفته شوند و منعکس‌کنندهٔ فرهنگ، عقاید و ارزش‌های جامعه باشند و از سوی دیگر، می‌توانند بستر مشترکی ایجاد کنند که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهندهٔ اعضای جامعه است در آن انجام

دهند (رفیعی و شریفی، ۱۳۸٤، ص. ۳). فضاهای عمومی باید زمینۀ امکان ارتباطات اجتماعی در جهت رفع نیازها و تعالی کیفیت روابط را فراهم کنند. توجه به موقعیت فضای عمومی در گرو حضور تمامی گروه‌های سنی و جنسی متفاوت است و حال آنکه نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف از یک فضا، گاه می‌تواند بسته به ویژگی‌های آن‌ها متفاوت باشد. در این میان، شناخت و انتظارت مردم از فضاهای عمومی به‌عنوان بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، با رجوع به تصویر ذهنی و توصیف مردم، در خصوص فضاهای عمومی، مردم انتظار دارند فضای عمومی و نیازهای آن‌ها با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی و الگوهای رفتاری و ادراکی مردم سازگار باشد. از نظر مردم، فضاهای عمومی خوب در سازگاری با جایگاه طبیعی و متمایز هر مکان و ظرفیت و محدودیت‌های آن، گذران اوقات فراغت مطلوب را از طریق تأمین آسایش اقلیمی، محیطی متجانس و جذاب فراهم می‌سازد که ضمن ایجاد تعادل اکولوژیکی و صرفه‌جویی، سرزندگی و طراوت، تجربۀ آب و هوا را هم سبب می‌شود. با بررسی و واکاوی مؤلفه‌های ویژگی‌هایی که از طرف پژوهشگران نقل کرده‌اند می‌توان فضای عمومی موفق را فضایی دانست که از مؤلفه‌هایی، مانند دسترسی، کالبدی مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعه، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع-پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد، وجود این عوامل در کنار یکدیگر می‌تواند یک فضای عمومی را موفق یا ناموفق سازد (لیپتون[1]،۲۰۰۳، ص. ٤۳۲؛ اولدنبورگ[2]، ۱۹۹۹، ص. ۹۸).

---
1. Lipton
2. Oldenburg



شکل ۱- شاخص و مؤلفه‌های منظر روستایی

مأخذ: رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸

براساس شکل(۱)، مؤلفه‌های فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان از طریق شاخص‌هایی، مانند توجه به فضاهای زندگی (مسکن، حیاط، کوچه‌ها و ....)، فضاهای فعالیتی (محل نگهداری دام، انبارها، پارکینگ و ...)، فضاهای تفریحی (پارک، فضاهای سبز و ...) و فعالیت‌های اجتماعی (محل برگزاری مراسم‌های عمومی و ..) مورد توجه و ارزیابی قرار داد. مؤلفه‌های «معنایی» با دریافت ادارک شناختی و ترجیحات محیطی افراد روستایی در فضاهای سکونتگاهی سروکار دارد. به عبارت دیگر، القای احساس مثبت زندگی و سرزنده بودن روستا به‌عنوان حد نهایی معنا می‌باشد که باید ساکنان روستایی به آن دست پیدا کنند تا به واسطهٔ آن سطح شاخص‌هایی مانند حس تعلق، احساس هویت و شادکامی و امید در آن افزایش یابد. بنابراین، فضاهای عمومی علاوه بر اثرات عینی باید بتواند به لحاظ معنایی در جذابیت محیطی برای روستاییان نیز اثرگذاری مثبت داشته باشند. مؤلفه‌های زیباشناختی ناشی از فضاهای عمومی بر جنبه‌های کالبدی تأکید می‌کند؛ زیرا انتظار می‌رود توسعهٔ فضاهای

عمومی و ایجاد تغییرات متناسب با شـرایط بـومی و محیطـی روسـتاییان، قـدرت پذیرنـدگی محیط‌های روستایی را در بـین سـاکنان روسـتا افـزایش دهـد. ایـن مؤلفـه از طریـق ارزیـابی شاخص‌هایی مانند بهبود تجهیزات روستایی، پوشش‌های گیاهی و درختکاری، نـورپـردازی و کیفیت رنگ قابل بررسی می باشد. در مؤلفه‌های معنایی – ادراکی ناشی از فضـاهای عمـومی، می‌توان به مؤلفه‌های کاربری‌های خدماتی، برنامه‌های آموزشی، تعاملات اجتمـاعی و نهادهـای فرهنگی و غیره اشاره کرد.

با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده، ضرورت عملکـرد فضـاهای عمـومی در منـاطق روسـتایی مطابق جدول ٤ بیان شده است.

جدول ٤- شرح فعالیت و ضرورت عملکرد فضاهای عمومی در مناطق روستایی

ماخذ: نگارنده با استفاده از منابع قابل دسترس، ۱۳۹۸

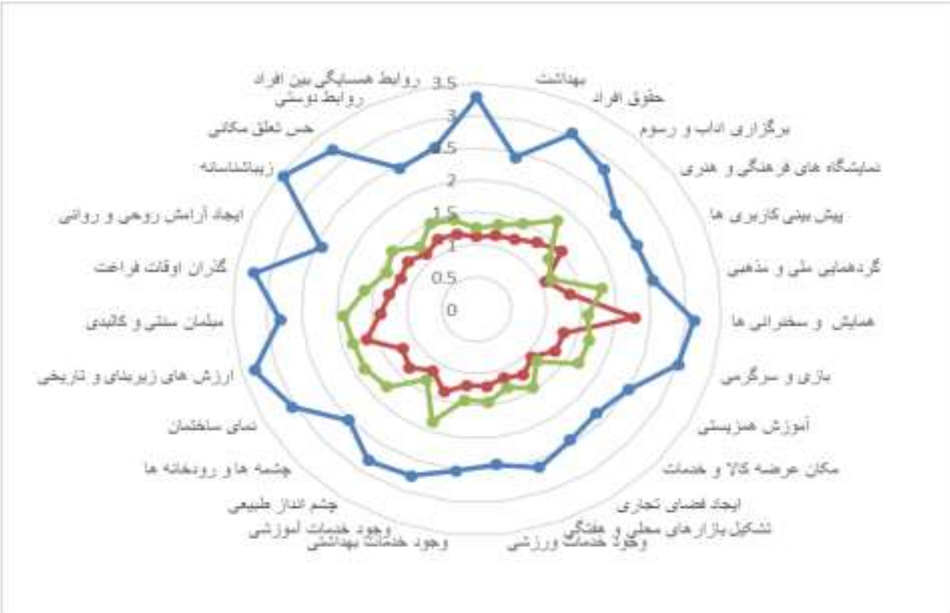
نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
بهداشتی	– تأمین‌کنندهٔ بهداشت جان و روان مردم توجه به حقوق افراد خاص(معلولین و سالمندان)	– گسترش بیماری‌های روحی و روانی در جامعه
فرهنگی	– زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا – برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری – پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	– احیا و زنده نگه‌داشتن مراسم محلی – محلی برای تبادلات فرهنگی افراد و قومیت های مختلف ساکن در محیط
اجتماعی	– گردهمایی‌های ملی و مذهبی – سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای – تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان – آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	– ایجاد محیطی صمیمی و صحنه‌ای برای حضور افراد در بطن جامعه – مشکلات ناشی از عدم جامعه‌پذیری افراد – ضرورت کالاهای مصرفی روستاییان
اقتصادی	– ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا – تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی – مکان مناسب و پررونق برای عرضهٔ کالاها و مایحتاج روزانهٔ روستاییان	– معرفی و فروش محصولات روستاییان – زمینه‌سازی برای صدور محصولات اعم از کشاورزی و صنایع دستی و غیره – تأمین کالاهای مصرفی روستاییان – کاهش سفر به شهرها
تجهیزات	– وجود خدمات ورزشی – وجود خدمات بهداشتی وجود خدمات آموزشی	– ضرورت نیازهای اولیهٔ زیستی روستاییان

نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
تنوع جاذبه‌ها	-چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی -وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	-حفظ پوشش‌های گیاهی -حفظ اقامتگاه‌های بوم گردی
کیفیت بصری محیط	-نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط - تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی -مبلمان سنتی و کالبدی روستا	-بهبود سیما و منظر روستا
تفریحی	-گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی - رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	-کوچک شدن نسبی مساحت و عرصه
هویت مکان	-ویژگی‌های زیبائی‌شناسانه هم علت و هم معلول هویت -حس تعلق مکانی	-وجود عنصر هویت‌بخش در بافت روستا
تعاملات	-استمرار روابط دوستی مردم -تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا -پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	-کم رنگ شدن صله رحم و دید و بازیددها به علت مشغله‌های کاری

۵. یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعه، از ۱۹۵ پرسش‌نامه استفاده شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که ۹۸/۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۱/۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین، گروه‌های ۳۰ تا ۳۹ سال با میزان ٤٤/٤، بیشترین درصد را داشته‌اند. از لحاظ تحصیلات، ۳۹/۲ درصد لیسانس بودند و٥١/٤ درصد آنان متأهل و ٤٨/١ درصد مجرد بوده‌اند. به منظور بررسی عوامل مؤثر، از آزمون تحلیل عاملی و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. سپس به دسته‌بندی شاخص‌ها پرداخته شد. هر کدام از این شاخص‌ها دارای متغیرهایی هستند که در شکل (۲) به آن‌ها اشاره شده است. در نهایت برای اینکه مشخص شود کدام متغیر بیشترین تأثیر را در تقویت فضاهای عمومی داشته است، از میانگین، انحراف معیار و واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که گذراندن اوقات فراغت و چشم‌اندازهای طبیعی هر کدام با میزان (۱/۹۰) و (۱/۸۵) بیشترین واریانس‌ها را بین متغیرها به خود اختصاص داده‌اند که از دلایل آن می‌توان به طبیعت بکر با فضاهای مناسب اقلیمی در

روستاهای مورد مطالعه اشاره کرد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که دیدگاه مردم محلی نسبت به موضوع مطرح‌شده در این پژوهش از لحاظ فضاهای عمومی دارای اهمیت می‌باشد.



شکل ۲- عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

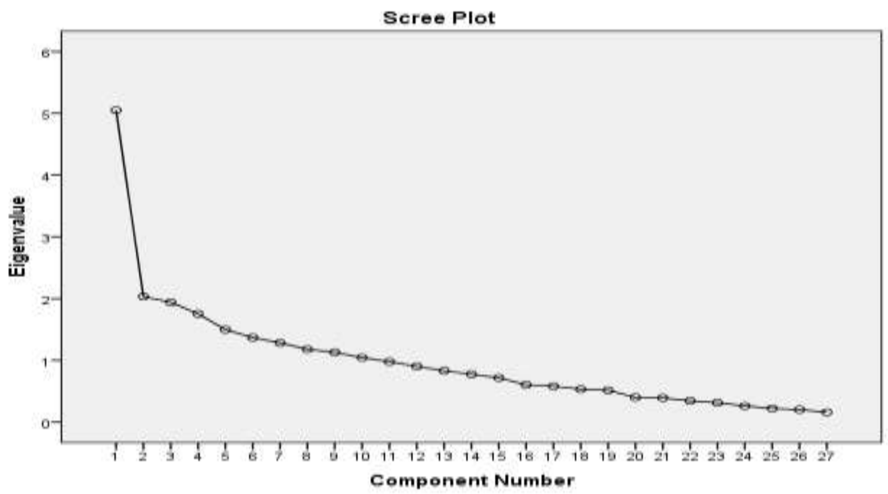
با توجه به پژوهش نظری و برداشت‌های میدانی، ۲۷ عامل استخراج شد. بر اساس نتایج، مقدار KMO، معادل۰/۶۰۳ بوده و با توجه به حداقل و حداکثر مقدار آزمون، در سطح قابل قبولی است. مقدار محاسبه‌شده برای آزمون بارتلت نیز در سطح P کمتر از ۰/۰۰۰ معنادار بوده است. پس داده‌های مورد بررسی از تناسب قابل قبولی برای اجرای تحلیل عاملی برخوردارند.

جدول ۵- آزمون بارتلت در سطح معناداری

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

مجموع مورد تحلیل	دیدگاه‌ها	مقدار KMO	مقدار	سطح معنی
عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی	مردم محلی	۰/۶۰۳	۱۳۷۹/۲۹۱	۰/۰۰۰

نتایج مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد از میان ۲۷ متغیر، فقط هفت عامل دارای مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک است. بنابراین، بیشینهٔ تعداد عامل‌های اصلی می‌تواند هفت باشد. این هفت عامل پس از چرخش، در مجموع توانسته‌اند ٥٥/٢٧٤ درصد واریانس را تبیین کنند که بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد دارد و کمترین سهم را عامل هفتم با ٦/١٧٨ درصد به خود اختصاص داده است. از این رو، از میان عواملی که بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی در ناحیهٔ مورد مطالعه داشته‌اند، فقط هفت عامل اهمیت بیشتری دارد. از آن جا که درصد واریانس قابل قبول برای قابل اتکا بودن تحلیل عاملی ۵۰ درصد است، با توجه به مقدار به دست آمده از خروجی دوم (٥٥/٢٧٤) می‌توان بیان کرد که نتایج تحلیل عاملی قابل تعمیم و اتکاست و نیز به واسطهٔ آن می‌توان از مناسب بودن متغیرهای انتخاب‌شده برای تحلیل عاملی اطمینان یافت.



شکل ۳- نمودار مقدار ویژه عامل‌ها

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

در پژوهش حاضر، برای چرخش عاملی از روش ریماکس استفاده شده است. بعد از مرحلهٔ چرخش، متغیرهایی که مربوط به هر عامل هستند، به صورت ستونی مشخص شدند. پس از پردازش متغیرهای مؤثر در تقویت فضاهای عمومی نسبت به نام‌گذاری عوامل اقدام

گردید. حال با توجه به اینکه داده‌ها از درجۀ تناسب خوبی برخوردارند، می‌توان از این هفت عامل در تجزیه و تحلیل نهایی و بررسی متغیرها نسبت به عوامل استفاده و دیگر عوامل را حذف کرد. ضرایب همبستگی بین متغیرها و عوامل (بارهای عاملی) در جدو(٦) ارائه شده است.

نتایج نهایی مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد متغیرهایی که بیشترین بار عاملی را روی عامل نخست دارند، عبارتند از: چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی، وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها، نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط، تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی و مبلمان سنتی و کالبدی روستا که نام عامل، تنوع جاذبه‌ها و کیفت بصری گذاشته شده است. مقدار ویژه این عامل ۲/۸٤ و مقدار واریانس آن ۱۰/۵۳۱ می‌باشد. متغیرهای که دارای بیشترین همبستگی با عامل دوم هستند عبارتند از: استمرار روابط دوستی مردم، تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا و پایه‌ریزی روابط صمیمی. مقدار ویژه این عامل، ۲/٦۷۳ و مقدار واریانس آن ۹/۹۰۰ می‌باشد. متغیرهایی که دارای بار عاملی روی عامل سوم هستند، شامل زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی، گردهمایی‌های ملی و مذهبی و سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای است که با هم عامل اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند. مقدار ویژه این عامل ۲/٤۳۱ و مقدار واریانس آن ۹/۰۰٤ است.

متغیرهای که بیشترین همبستگی با عامل چهارم را دارند، عبارتند از: تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان، آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات و توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان) و تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم که عامل آموزشی – بهداشتی نام دارد و مقدار ویژه این عامل ۱/۸۰۵ و مقدار واریانس آن ٦/٦۸۵ است. متغیرهایی که بیشترین همبستگی را با عامل پنجم دارند، شامل وجود خدمات ورزشی، خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی است که عامل تجهیزات نام گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل ۱/۷۵۸ است و ٦/۵۱۳ درصد واریانس بین متغیرها را تبیین می‌کند.

همچنین متغیرهای جای مناسب و پررونق برای عرضهٔ کالاها و مایحتاج روزانهٔ روستاییان، ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا و تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی با عنوان عامل اقتصادی نام‌گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل۱/۷٤٥ و مقدار واریانس آن ٦/٤٦٤ است. در نهایت، متغیر گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی و رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی عامل هفتم را تشکیل می‌دهد که عامل تفریحی برای آن نام‌گذاری شده است، مقدار ویژه این عامل ۱/٦٦۸ و مقدار واریانس ٦/۱۷۸ است. با توجه به تمرکز متغیرها در هر عامل و نیز مقادیر بارهای عاملی هر متغیر می‌توان به میزان اهمیت آن‌ها در تقویت فضای عمومی پی برد. از آنجایی که عامل اول و پنجم دارای ماهیت زیباشناختی و عامل های دوم و هفتم دارای ماهیت معنایی- ادراکی و عامل سه، چهار و ششم دارای ماهیت عملکردی - ادراکی است می‌توان بیان کرد که این عوامل نقش مؤثری در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستاهای استان لرستان داشته است.

جدول ٦- ماتریس عاملی چرخش‌یافته بر اساس روش چرخشی واریماکس

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری	چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی	۰/٦۱۲
	وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	۰/٥۹۸
	نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط	۰/٥٥٤
	تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی	۰/٥٦۱
	مبلمان سنتی و کالبدی روستا	۰/٥٦۱
تعامل و ارتباطات	استمرار روابط دوستی مردم	۰/٥۷٥
	تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا	۰/٥٦٤
	پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	۰/٦۲٤
اجتماعی – فرهنگی	زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا	۰/٥٦۱
	برپای نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری	۰/٦۲۳
	پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	۰/٥۱۲
	گردهمایی‌های ملی و مذهبی	۰/٦۷۸
	سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای	۰/٥۰۷
آموزشی- بهداشتی	تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان	۰/۷٥۹

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
	آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	۰/۵۸۰
	توجه به حقوق افراد خاص(معلولین و سالمندان)	۰/۶۳۰
	تأمین کنندهٔ بهداشت جان و روان مردم	۰/۳۵۳
تجهیزات	وجود خدمات ورزشی	۰/۸۳۸
	وجود خدمات بهداشتی	۰/۵۵۶
	وجود خدمات آموزشی	۰/۵۶۷
اقتصادی	جای مناسب و پررونق برای عرضهٔ کالاها ومایحتاج روزانهٔ روستاییان	۰/۵۰۹
	ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا	۰/۶۸۴
	تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی	۰/۶۲۸
تفریحی	گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی	۰/۷۰۹
	رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	۰/۵۴۲

برای بررسی تفاوت بین عامل به دست آمده از مدل تحلیل عاملی، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، استفاده شده است. نتایج گویای این است که با توجه به اینکه میزان Sig به دست آمده کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است، می‌توان استدلال کرد که بین سه عامل نهایی که در یکدیگر ادغام شده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهند عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی تأثیرگذار بوده است.

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عامل‌ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
عملکردی- ادراکی	Between Groups	۲۱/۳۶۷	۳۸	۰/۵۶۲	۱/۹۶۸	۰/۰۰۳
	Within Groups	۳۶/۸۶۵	۱۲۹	۰/۲۸۶		
	Total	۵/۲۳۱	۱۶۷			
زیباشناختی	Between Groups	۳۲/۷۶۱	۳۸	۰/۸۶۲	۲/۰۸۸	۰/۰۰۱
	Within Groups	۵۴/۰۹۸	۱۳۱	۰/۴۱۳		
	Total	۸۶/۸۵۹	۱۶۹			

عامل‌ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
ادراکی – معنایی	Between Groups	۲۷/٦٤۲	۳۸	۰/۷۲۷	۲/۰٦۰	۰/۰۰۱
	Within Groups	٤٦/۲٦۰	۱۳۱	۰/۳۵۳		
	Total	۷۳/۹۰۲	۱٦۹			

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در تحقیق، می‌توان بیان کرد که توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفظ محیط و توسعهٔ پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. بر این اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی عمودی و افقی و نحوهٔ توزیع و ترکیب آن‌ها است؛ لذا این تحقیق به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعهٔ استان لرستان است. هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی– فرهنگی، آموزشی و بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی هر کدام به ترتیب بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی به دنبال داشته است. همچنین، نتایج تحلیل‌ها نشان داد از دیدگاه مردم محلی تفاوت معناداری بین عوامل مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. در همین زمینه تحقیقات انجام‌شده نیز موید این مطلب است به طوری که رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای که درصدد شناسایی نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در کیفیت سرزندگی بودند، به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب ۷/۲٦، ٤/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، عزیزپور و شمسی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود معتقدند که عوامل طبیعی به‌ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب سبب گردیده تا سازمان فضایی دهستان لواسان کوچک از ساختار سلسله مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. گل (۲۰۰۳) در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق

دانسته است؛ لذا این تحقیقات با پژوهش حاضر تا حدودی هم‌خوانی دارند. پس این پـژوهش با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، ایـن نتیجه را در بردارد که در برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به محیط‌های مناسب‌تـر بایـد بـه تمـامی فضاهای کاربردی برای انسان‌ها توجـه داشـت. هـرچنـد فضـاهای عمـومی در سـطح منـاطق روستایی دارای فضاهای متنوع و گسترده‌ای از جمله فضاهای اجتماعی و فرهنگی هسـتند کـه خیلی کم دستخوش تغییرات شده‌اند و هنوز هم صمیمیت و احساسـات در آن نمایـان اسـت؛ لذا لازم است که برای بهبود این فضاها، زمینه بـرای انجـام تعاملـات اجتمـاعی در پـی انجـام فعالیت جمعی از قبیل دیدار و گفت‌وگوها، تعامل و مشارکت، فراهم آوردن خدمات آموزشی، بهداشتی، ایجاد بازارهای هفتگی و فصلی، تنوع بازارهای محلی و خدمات ورزشی و غیره کـه به آن اشاره شده، فراهم شود و فضاهای مذکور به فضای فعالیت، سـرزندگی و حیـات مـدنی تبدیل شوند.

کتاب‌نامه

۱. ایزدی، م.، محمدی، ج.، طاهری، ز.، و شرخانی، ح. (۱۳۹۵). واکاوی مطلوبیـت فضـاهای عمـومی شهری از دیدگاه زنان؛ مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ٤ شهر اصفهان. *جغرافیا و توسعه، ٤٢*، ١٤٤–١٢٧.

۲. پاکزاد، ج.ش. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.

۳. پورمحمدی، م. ر.، طورانی، ع.، و حسینلو، م. (۱۳۹۲). توسعهٔ یکپارچه نواحی روستایی و شـهری، رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی سکونتگاهی. *اندیشهٔ جغرافیـایی، ٧* (١٤)، ٣٦–٩.

٤. حاتمی، ی.، و ذاکری حقیقی، ک. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در انتخاب فضـای عمـومی توسـط شهروندان؛ مطالعهٔ موردی: پیاده‌راه بوعلی سینا و اکباتـان شـهر همـدان. *مطالعـات محیطـی هفـت حصار، ۲۳* (٦)، ٩٤–٨١.

۵. رفیعیان، م.، و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصل‌نامهٔ راهبرد، ۱۸* (۵۳)، ٢٤٨–٢٢٨.

٦. رومیانی، ا.، صادقلو، ط.، و صناعی مقدم، س. (۱۳۹۸). تحلیل نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در راستای ارتقای کیفیت سرزندگی؛ مطالعهٔ موردی: دهستان دهدشت غربی- شهرستان کهگیلویه. *نشریهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۳ (٦٨)، ۱۵۵-۱۳۳.

۷. رهنمایی، م.ت.، و اشرفی، ی. (۱۳۸٦). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعهٔ مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. *جغرافیا*، ۵(۱٤ و۱۵)، ٤٤-۲۳.

۸. ساردوئی، م. (۱۳۹۳). تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی. *مدیریت شهری*، ۳۷، ۱۲٦-۱۰۳.

۹. سعیدی، ع. (۱۳۸۹). محیط، فضا و توسعه، بحثی در صورت توسعهٔ یکپارچه روستا شهری، *فصل‌نامهٔ مسکن و محیط*، ۲۹ (۳۱)، ۱۲-۳.

۱۰. شارع پور، م. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات سمت.

۱۱. عزیزپور، ف.، و شمسی، ر. (۱۳۹۳). نقش عوامل محیطی در سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی؛ مطالعهٔ موردی: دهستان لواسان کوچک. *فصل‌نامهٔ اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۳ (۸۹)، ۱۱۲ -۱۰٦.

۱۲. علی الحسابی، م.، و نگارش، ن. (۱۳۸۹). تجلی فضای جمعی در سکونتگاه های روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۲۹ (۱۳۲)، ۳۸-۲۹.

۱۳. عنابستانی، ع.، ا.، و احمدزاده. س. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی- فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعهٔ روستایی؛ مطالعهٔ موردی: دهستان درزآب، شهرستان مشهد. *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱(۲)، ۱۱۲-۹۵.

۱٤. عینالی، ج.، بوزجمهری. خ.، نظری شیخی، م.، دهبانژاد، ا.، و رومیانی، ا. (۱۳۹٦). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت سرزندگی روستاییان؛ مطالعهٔ موردی: روستاهای شهرستان الشتر. *مجلهٔ برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۳)، ٦۳۹-٦۱۹.

۱۵. ماجدی ، ح.، رضایی ، م.م.، و منصوری، ه. (۱۳۹۳). شناخت عملکرد شناختی فضاهای عمومی از نظر هویت؛ مطالعهٔ موردی: نازی آباد و محلهٔ مهران تهران. *فصل‌نامهٔ تحقیقات فرهنگی ایران*، ٤، ٦۱-۳۹.

16. Bolívar, J., Daponte, A., Rodríguez, M., & Sánchez, J. J. (2010). The influence of individual, social and physical environment factors on physical activity in the adult population in Andalusia, Spain. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *7*(1), 60-77.

17. Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology, 32*(4), 401-409.
18. Hartel, T., Fischer, J., Câmpeanu, C., Milcu, A.I., Hanspach, J., & Fazey, I. (2014). The importance of ecosystem services for rural inhabitants in a changing cultural landscape in Romania. *Ecology and Society, 19(2)*, 42-50.
19. Ismail, W.A.W., & Said, I. (2015). Integrating the community in urban design and planning of public spaces: A review in Malaysian cities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 168*, 357-364.
20. Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 35*, 664-674.
21. Jung, H.J, & Ryu, H.J. (2015). Sustaining a Korean traditional rural landscape in the context of cultural landscape. *Sustainability Open Access, 7*(8), 11213-11239.
22. Kurniawati, W. (2012). Public space for marginal people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 36*, 476-484.
23. Lipton, S. (2003). The value of public space: How high-quality parks and public spaces create economic. *Social and Environmental Value, 4*(54), 446-456.
24. Meeus, J. H. A., Wijermans, M. P., & Vroom, M. J. (1990). Agricultural landscapes in Europe and their transformation. *Landscape and Urban Planning, 18*(3-4), 289–352.
25. Nasution, A. D., Shalleh, A., & Wahid, J. (2014). Livable public open space for citizen's quality of life in Medan, Indonesia. *Journal of Engineering, Management & Applied Sciences & Technologies, 5*(2), 131-142.
26. Oldenburg, R. (1999). *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community*. Whashington: Marlowe & Company.
27. Seong, J. (2005). *A study on rural landscape management and policy directions*. Seoul, Korea: Korea Rual EconomicInstitute
28. Stockdale, A., & Barker, A. (2009). Sustainability and the multifunctional landscape: An assessment of approaches to planning and management in the Cairngorms National Park. *Land Use Policy, 26*, 479–492.
29. Yoon, H., & Srinivasan, S. (2015). Are they well situated? spatial analysis of privately owned public space, Manhattan, New York city. *Urban Affairs Review, 51*(3), 358-380.